

محاصره، تحریم و ناامنی غذایی



محمدحسین عمادی

گزارش «وضعیت امنیت غذایی و تغذیه در جهان ۲۰۲۴» (SOFI 2026) که چشم‌انداز آینده غذا و کشاورزی را ترسیم می‌کند، به‌زودی منتشر خواهد شد. با این حال، تحولات پنج ماه اخیر، به‌ویژه بحران تنگه هرمز، نشان داده است امنیت غذایی دیگر صرفاً تابع تولید کشاورزی نیست، بلکه به شبکه‌ای از عوامل مرتبط با انرژی، حمل‌ونقل، نهاده‌های شیمیایی، سیاست‌های تجاری و تحولات اقلیمی وابسته است. هرچند این گزارش بر پایه داده‌های پیش از بحران هرمز تدوین شده است، پیش‌بینی‌های آن تا سال ۲۰۳۰ آثار احتمالی این بحران را نیز مدنظر قرار می‌دهد. از این‌رو، شناخت دقیق این روندها برای سیاست‌گذاران کشور، به‌ویژه در شرایط کنونی جنگی و پرریسک، ضرورتی فوری و اجتناب‌ناپذیر است.

۱- پیامدهای مستقیم بحران تنگه هرمز بر نهاده‌های کشاورزی: اختلال در تنگه هرمز، عرضه جهانی برخی از مهم‌ترین نهاده‌های کشاورزی را محدود کرده است. حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد از کودهای شیمیایی معامله‌شده در بازارهای جهانی و نزدیک به ۵۰ درصد از صادرات جهانی گوگرد از این مسیر یا تحت تأثیر آن جابه‌جا می‌شود. در نتیجه، شوک عرضه به‌سرعت در قالب افزایش قیمت نهاده‌ها نمایان شده است. این افزایش قیمت صرفاً یک مسئله تجاری نیست، بلکه مستقیماً بر هزینه تولید غذا اثر می‌گذارد. کودهای نیتروژنی، فسفات‌ه و پتاسه ستون فقرات تولید غلات و بسیاری از محصولات اساسی به‌شمار می‌روند. هنگامی که قیمت این نهاده‌ها افزایش می‌یابد، کشاورز ناگزیر است میان سه گزینه دشوار یکی را برگزیند: ادامه تولید با زیان، کاهش مصرف نهاده و پذیرش افت عملکرد یا تغییر الگوی کشت به محصولاتی با نیاز کمتر به نیتروژن، مانند سویا. هر سه گزینه، در نهایت به کاهش عرضه یا افزایش هزینه غذا منجر می‌شوند.

۲- پیوند بحران انرژی، بازار غلات و اقلیم: برخلاف انرژی که افزایش قیمت آن تقریباً بلافاصله به مصرف‌کننده منتقل می‌شود، در بخش غذا این انتقال تدریجی است و معمولاً سه تا شش ماه به طول می‌انجامد تا اثر افزایش هزینه نهاده‌ها در قیمت خرده‌فروشی مواد غذایی منعکس شود. از این‌رو، آثار بحران هرمز ممکن است با تأخیر در بازارهای داخلی کشورها ظاهر شود، اما زمانی که بروز کند، دامنه آن گسترده و پایدار خواهد بود. پس از بسته‌شدن تنگه هرمز، قیمت نفت جهش کرد و اگرچه یک تفاهم‌نامه بعدی امکان تردد برخی کشتی‌ها را فراهم کرد، ادامه درگیری‌ها بازارها را همچنان بی‌ثبات و پرنوسان نگه داشته است. این بی‌ثباتی صرفاً به انرژی محدود نمی‌شود؛ زیرا قیمت گاز طبیعی نیز در سطح بالایی باقی مانده و این امر هزینه تولید کودهای نیتروژنی را افزایش داده است. از سوی دیگر، کمبود گوگرد عرضه کودهای فسفاته را تحت فشار قرار داده و تقاضا برای اوره نیز کاهش یافته است؛ نشانه‌ای که می‌تواند حاکی از تصمیم کشاورزان برای کاهش مصرف کود باشد. در چنین شرایطی، قیمت دی‌آمونیم فسفات (DAP) همچنان بالاست و این موضوع برای کشورهایی که وابستگی بیشتری به واردات نهاده دارند، هشدار جدی محسوب می‌شود. در کنار این عوامل، وضعیت اقلیمی نیز بر سطح نااطمینانی‌ها افزوده است. در صورت شکل‌گیری پدیده آلنینو، کشورهای عمده صادرکننده که هم‌اکنون نیز با محدودیت منابع آب و نهاده‌های تولید مواجه‌اند، با فشار بیشتری روبه‌رو خواهند شد. در این میان، برنج و گندم دروم از جمله کالاهایی هستند که بیشترین آسیب را متحمل می‌شوند. هرگونه اختلال در تولید یا صادرات این محصولات می‌تواند امنیت غذایی بسیاری از کشورها را تهدید کند؛ به‌ویژه کشورهایی که بخش مهمی از نیاز خود را از بازار جهانی تأمین می‌کنند. همچنین پایین‌بودن ذخایر گاز اروپا و آسیب واردشده به زیرساخت‌های روسیه، فشار بیشتری بر زنجیره‌های تأمین جهانی وارد کرده است و نشان می‌دهد بحران هرمز صرفاً یک بحران منطقه‌ای نیست، بلکه به‌سرعت به بحرانی جهانی در حوزه غذا و انرژی تبدیل می‌شود.

۳- مهم‌ترین پیام‌ها برای ایران: محاصره مجدد بنادر ایران و تحولات اخیر، چند پیام روشن و فوری دارد. نخست آنکه استفاده ابزاری از غذا و تحریم برای تسلیم یک روش مشروع از سوی دشمن شناخته شده است. بنابراین امنیت غذایی باید در کنار امنیت انرژی و امنیت ملی مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا ادامه محاصره و هرگونه اختلال شدید در تنگه هرمز می‌تواند هم هزینه واردات نهاده‌ها و هم هزینه تأمین کالاهای اساسی را افزایش دهد.

دوشنبه ۲۹ تیر ۱۴۰۵	
۵ صفر ۱۴۴۸	
۲۰ جولای ۲۰۲۶	
سال بیست‌ودوم	
شماره ۵۴۳۱	
۴۰ هزار تومان	
۸ صفحه	

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید: نزاع بر سر شهر؛ روایت قدرت و سیاست شهری • قلعه‌نوی: تریبون منتقدان را بگیرید • ممنوعیت ساخت‌وساز در اراضی ساحلی خزر

گزارش «شرق» از حمله به آب‌شیرین‌کن روستای «بونجی» و روزهای سخت اهالی غرب جاسک

۲۰ روستا در انتظار آب

گزارش تشریک را در صفحه ۵ بخوانید

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس از ساختمان‌هایی که در برابر بحران، خود به بخشی از خطر تبدیل می‌شوند

بحران؛ آزمون ساختمان‌ها



این گزارش را در صفحه ۷ بخوانید.عکس: عباس کفوری، شرق

یادداشت

ابتکار عمل دولت و دستگاه دیپلماسی در معادله پیچیده کنونی چیست؟



احسان هوشمند

دیپلماتیک شد و جنگ بوسنی که پس از نسل‌کشی‌های گسترده و غیرانسانی نهایتاً در سال ۱۹۹۵ به توافق دیتون یا چارچوب عمومی صلح منجر شد، از جمله جنگ‌هایی هستند که در نهایت با دیپلماسی و مذاکرات دو طرف یا میانجیگری طرف‌های ثالث به آتش‌بس یا صلح منجر شدند. جنگ آرزانتین و برزیل در قرن نوزدهم، جنگ مرزی اریتره و اتیوپی در سال ۲۰۰۰ و جنگ روسیه و سوئد در قرن نوزدهم نیز با میانجیگری و فعالیت‌های دیپلماتیک به اتمام رسید. البته همه جنگ‌ها به واسطه دیپلماسی و مذاکرات سیاسی و میانجیگری واسطه‌ها به آتش‌بس و صلح منجر نشد و گاه جنگ با ویرانی و خشونت و تلفات وسیع تا شکست کامل یکی از طرفین منازعه استمرار داشته است. نمونه شناخته‌شده این دست از جنگ‌ها، سرنوشت دولت هیتلر در آلمان نازی در دوره جنگ جهانی دوم است که با میلیون‌ها نفر کشته و زخمی و ویرانی‌های بسیار در نهایت به تسلیم بی‌قیدوشرط آلمان به اتمام رسید. اعلام رسمی شکست ژاپن پس از بمباران اتمی این کشور توسط آمریکا در ۱۹۴۵، جنگ پروس و فرانسه در اواخر قرن نوزدهم و جنگ عراق و کویت که در سال ۱۹۹۱ پس از حمله آمریکا و هم‌پیمانان به

یادداشت

وقتی آمریکا سربازان را سپر انسانی می‌کند

هزینه جنگ افروزی واشینگتن را چه کسانی می‌پردازند؟



نیروانمهرآئین

در پی شهادت سربازان خدمت وظیفه در حمله ایالات متحده آمریکا به پادگان بمبور، برخی منتقدان سیاست‌های نظامی واشینگتن در منطقه، این اقدام را محکوم کرده و رئیس‌جمهور آمریکا را مسئول پیامدهای انسانی آن دانستند و از دولت‌های همسایه ایران خواستند اجازه ندهند عزت، شرافت و استقلال آنان به ابزاری برای اجرای حملات نظامی علیه ایران و دیگر ملت‌ها تبدیل شود. در این واکنش آمده است که استفاده واشینگتن از ظرفیت‌های کشورهای منطقه برای پیشبرد سیاست‌های جنگ‌طلبانه خود، می‌تواند پیامدهایی گسترده به همراه داشته باشد که نتیجه‌ای جز افزایش ناامنی، بی‌ثباتی و آسیب به ملت‌های منطقه نخواهد داشت. منتقدان با تأکید بر احترام به حقوق غیرنظامیان در جنگ، اذعان می‌کنند زمان آن فرا رسیده است که با درک واقعیت‌های سیاسی، روشن شود آمریکا اهداف خود را بر اساس منافع راهبردی و محاسبات سیاسی‌اش دنبال می‌کند و نباید وعده‌های ظاهری یا رویکردهای دوستانه این کشور را بدون توجه به تجربه‌های گذشته پذیرفت. موضع‌گیری آنان و هدف قرارگرفتن پادگان سربازان بعد از مدرسه میناب، بار دیگر این پرسش را مطرح می‌کند که مسئولیت تلفات انسانی ناشی از عملیات نظامی غیرموجه آمریکا بر عهده چه کسی است و چرا کمیته‌های حقیقت‌یاب سازمان ملل در مقابل چنین جنایاتی سکوت اتخاذ کرده‌اند؟ همچنین ارتش و نمایندگان مجلس شورای اسلامی ضمن نکوهش عملکرد آمریکا در جنگ اخیر، باور دارند سربازانی که بسیاری از آنان تنها برای انجام خدمت وظیفه در یک پادگان حضور داشتند، نباید قربانی اهداف سیاسی کاخ سفید و منافع دولت آمریکا شوند؛ چراکه قرارگرفتن نیروهای



واکاوی جایگاه اسلام آباد در دور تازه تنش‌های ایران و آمریکا
در گفت‌وگو با محسن روحی صفت

پاکستان و آزمون بی‌طرفی

برگزیده‌ها

چالش‌های نخست‌وزیر جدید بریتانیا در گفت‌وگوی وجد کریمی، دیپلمات پیشین ایران در بریتانیا، با «شرق»

آغاز عصر برنامه

۴

رئیس‌جمهوری:

عملکرد وزارت نفت در

ایجاد سامانه‌های مدیریتی

یکپارچه قابل تقدیر است

۵

در باب ماهیت منظرین یک مفهوم

وطن

۷

یادداشت

گذار از بحران جنگ

با استراتژی مقاومت تمدنی

یادداشت از ناصر فکوهی

۸

جام ۲۰۲۶

مدعی هر دوره جام جهانی

چرا قهرمان نمی‌شود؟

سه شیرهای پوشالی

۶

یادداشت

رونمایی از اوکراینیزه‌کردن ایران

هشدار راهبردی برای

تصمیم‌گیران سیاسی و نظامی ایران



سیدمحمدحسینی

سفير سابق جمهوري اسلامي ايران در عربستان سعودي

تفاوت عمده جنگ‌های ترکیبی با جنگ‌های کلاسیک، در شیوه‌ها و زمان بندی جنگ خلاصه می‌شود. زمان در جنگ‌های کلاسیک آغاز و پایانی دارد، شیوه‌های جنگ عمدتاً منحصر به مقابله نظامی، اطلاعاتی و روانی است و از همه مهم‌تر در جنگ کلاسیک، یک طرف پیروز است و طرف دیگر شکست می‌خورد، به‌گونه‌ای که همه بازیگران دخیل و غیردخیل در جنگ درباره طرف پیروز و شکست‌خورده اجماع نظر دارند. در جنگ ترکیبی اما زمان معنی ندارد، جنگ آغاز و پایانی ندارد، حملات نظامی و آتس‌بس ادواری است، شیوه‌های جنگ علاوه بر مقابله‌های عریان نظامی و اطلاعاتی، شامل جنگ سایبری، جنگ اقتصادی، جنگ‌های نیابتی در مناطق خاکستری و نقش‌آفرینی برجسته افکار عمومی را در بر می‌گیرد. در این نوع از جنگ، هر یک از طرفین می‌توانند ادعای پیروزی کنند و اجماع نظری هم درباره طرف پیروز و شکست‌خورده وجود ندارد. مثل جنگ ترکیبی به‌منابه ضربات چاقویی است که عمیق و کاری نیست اما می‌تواند در بلندمدت یک طرف را زودتر از دیگری از پای درآورد. با ایس مقدمه و بر اساس دیدبانی جنگ ایران با آمریکا و رژیم صهیونیستی می‌توانیم این جنگ را جنگ ترکیبی بنامیم که زمان ندارد، بازیگران آشکار و پنهان در آن مداخله دارند، شیوه‌های جنگ از برخورد‌های نظامی تا جنگ اطلاعاتی، روانی، اقتصادی، سایبری و نیابتی را در بر می‌گیرد، نقش افکار عمومی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بسیار برجسته است و هم طرف ایرانی و هم طرف آمریکایی خود را پیروز در جنگ می‌خوانند. رئیس‌جمهور آمریکا بارها اعلام کرده به درباره اهداف خود در جنگ رسیده است و مسئولان جمهوری اسلامی نیز بارها اعلام کرده‌اند دشمن را از تحقق اهدافش بازداشت‌اند.

۴ صفحه ادامه‌در

۴ صفحه ادامه‌در